

پیشگفتار

در عالم حقوق، پایان شخصیت افراد که باعث قطع رابطه آنها با کیسه دارایی‌شان می‌گردد، امری حتمی و مسلّم است. در این رابطه چه‌بسا اتفاق می‌افتد که شخص در زمان حیاتش تکلیف اموال خود را مشخص و معین نمی‌کند که این امر باعث می‌شود «ملک بدون مالک» به‌وجود آید. در این صورت، حقوق باید تکلیف این امر را روشن سازد. بدین علت مشاهده می‌گردد که وجود تأسیس حقوقی ارث در تمامی دورانها و تمامی سیستمهای حقوقی وجود داشته و از اسباب تملک محسوب می‌شود، ولی از آنجا که مقررات حقوقی، برگرفته از سنتها و آداب و رسوم و اعتقادات هر جامعه است این امر، تفاوت مقررات مربوط به این موضوع را در سیستمهای مختلف حقوقی می‌طلبد، چه از نظر طبقات ارثی و چه از نظر میزان مالکیت.

قانون مدنی ایران در مبحث ارث کلاً تحت تأثیر فقه اسلامی (مکتب تشیع) بوده، تمامی مقررات مربوط را در قالب مواد قانونی به گونه‌ای که کاملاً منطبق با نظر مشهور فقهای شیعه باشد تدوین کرده است (ماده 949 تا 861).

ما در این کتاب سعی کرده‌ایم مسائل و مطالب مربوط به ارث را به‌گونه‌ای بررسی کنیم که خواننده پس از فراگیری اصول کلی و با در دست داشتن کلیدهای مربوط بتواند به راحتی هر مسئله ارثی را حل کند. این روش را سالیان متمادی در دانشکده حقوق اجرا کرده‌ام و موجب رضایت دانشجویان عزیز نیز بوده است. در این راستا سعی شده مطالب و قواعد کلی ارث حتی‌الامکان با منطق حقوقی و عقلی منطبق گردد و بر این اساس در این کتاب، ابتدا قواعد کلی مورد مطالعه قرار گرفته و سپس این قواعد کلی بر طبقات سه‌گانه ارث منطبق شده‌اند.

در پایان لازم می‌دانم از دوست عزیزم جناب آقای صفر بیگزاده که خود از دانش‌آموختگان برجسته علم حقوق است تشکر و قدردانی کنم، زیرا در ویراستاری و تنظیم فهرست و دیگر کارهای نشر کمک فراوان کرده‌اند. همچنین از جناب آقای دکتر احمدی ریاست محترم سازمان سمت و جناب آقای دکتر مرقاتی قائم‌مقام محترم سازمان سمت که در انتشار این کتاب به‌وسیله سازمان سمت مرا تشویق کرده‌اند تشکر و قدردانی می‌کنم و موفقیت این مؤسسه فرهنگی را در نشر کتابهای دانشگاهی از خدای متعال خواستارم.

تهران - تابستان 1384

علی حسین مصلحی عراقی

مقدمه

ارث در لغت به معنای ترکه و مالی است که از متوفی باقی می‌ماند یا آنچه از مال مرده به وارث رسد.¹ در اصطلاح حقوقی، ارث عبارت است از: «انتقال قهری اموال متوفی به بستگان و نزدیکان او با شرایط خاص» و یا به تعبیر بعضی از استادان حقوق: «انتقال قهری دارایی متوفی به ورثه او».² فقها مسائل مربوط به ارث را گاه تحت عنوان «الموارث»³ و گاه تحت عنوان «کتاب الفرائض» مطالعه کرده‌اند.⁴

هر شخص پس از تولد و ورود به عالم حقوق، دارای شخصیت می‌شود و دارای کیسه دارایی می‌گردد که در آن، تمام حقوق مالی او - اعم از مثبت و منفی - جمع می‌گردد. شخص در حیات خویش می‌تواند هر گونه تصرفی را که مخالف با قانون و حقوق دیگران نباشد، با توجه به اصل آزادی اراده صورت دهد، خواه اثر آن در زمان حیات ظاهر گردد و خواه پس از فوت و در قالب وصیت. گاه اتفاق می‌افتد که شخص در زمان حیات خویش در تمامی دارایی‌اش تصرف نمی‌کند و سرنوشت آنها را روشن نمی‌سازد و در نتیجه مقداری از اموالش پس از فوت و پایان شخصیت او و قطع رابطه‌اش با اموال، بدون مالک می‌گردد. در این حالت حقوق باید سرنوشت این چنین اموالی را مشخص و معین سازد تا ملکی بدون مالک نماند. بر همین اساس در تمام ازمنه و در جوامع مختلف و نزد اقوام گوناگون و حقوق کشورهای مختلف، تأسیس نهادی به نام ارث وجود داشته و دارد.⁵ برای اینکه حقوق به هدف غایی از ایجاد تأسیس این نهاد برسد باید مشخصه‌های زیر را در این نهاد ملحوظ دارد: (1) از اسباب تملک باشد، (2) مالکیت آن قهری باشد، (3) مجانی باشد؛ همان طور که قانون مدنی ایران در ماده 140 ارث را از اسباب تملک به حساب آورده کما اینکه این امر در حقوق کشورهای دیگر نیز شناخته شده است.⁶ در ارث، مرگ یک نفر، علت و سبب مالکیت شخص دیگر می‌گردد و این امر فرق اساسی بین تأسیس ارث و وصیت را روشن می‌سازد. در هر دو تأسیس، عامل مرگ وجود دارد، با این تفاوت که در تأسیس وصیت، زمان مرگ ظرف ملکیت است و در تأسیس ارث، زمان مرگ با جمع شرایط دیگر، علت ملکیت است.

در تعیین مالک جدید و وارث، حقوق از سنتها و عادات و رسوم و فرهنگ جامعه استفاده می‌کند و به این علت، نهاد ارث در تمام کشورها یکسان نیست، ولی یک امر در تمامی سیستمهای حقوقی یکسان است و آن اینکه مالک جدید باید از بستگان و نزدیکان شخص متوفی باشد و به علاوه نحوه تقسیم بین وارثین باید از قاعده عقلی «الاقرب یمنع الابدع» تبعیت کند. ولی تعیین مصداق و ضابطه نزدیکی و دوری در

¹ دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه، ذیل «ارث».

² امامی، حسن، حقوق مدنی، ج 3، ص 148.

³ خوانساری، احمد، جامع‌المدارک، ج 5، ص 281 و خمینی، روح‌ا...، تحریرالوسیله، ج 2، ص 363.

⁴ محقق حلی، جعفرین حسن، شرایع الاسلام، ص 294 و صاحب‌الجواهر، محمدحسن، جواهرالکلام، ج 39، ص 5.

5. la succession

برای مطالعه بیشتر رجوع کنید به:

Mazeaud, H. et al, *Leçon de droit civil*, t. 2, vol. 4, n0 661 et seq.

⁶ سنهوری، عبدالرزاق، الوسیط فی شرح القانون المدنی، ج 9، ص 74.

سیستمهای حقوقی، با توجه به فرهنگ هر جامعه، متفاوت است. مثلاً در سیستم حقوقی ایران، پدر و مادر جزء طبقه اول و نزدیکترین شخص به متوفی هستند، ولی در حقوق فرانسه با توجه به ماده 731، فرزندان جزء طبقه اول و پدر و مادر جزء طبقه بعد هستند. علاوه بر این در حقوق ایران زوجین نمی‌توانند حاجب وارث دیگر گردند، حال این که در سیستمهای دیگر این امر وجود دارد.

با توجه به اینکه قواعد مربوط به ارث از فرهنگ و رسوم آن جامعه الهام می‌گیرد در کشور ما که تحت تأثیر فقه امامیه است تمام مقررات مربوط به ارث کاملاً از فقه اقتباس شده، با این تفاوت که قانون‌گذار مطالب فقهی را در قالب ماده قانونی بیان کرده و نظر مشهور فقها را ملاک قرار داده است و بر خلاف دیگر مباحث حقوق مدنی، توجهی به حقوق کشورهای دیگر نداشته است.

ما مباحث این تأسیس حقوقی را در سه بخش مطالعه می‌کنیم. در بخش اول با توجه به ویژگی نهاد ارث، قواعد کلی آن را مورد مطالعه و بررسی قرار می‌دهیم. مطالب این بخش در فصول مختلف به ترتیب عبارت‌اند از: موجبات ارث، شرایط ارث، موانع ارث، حجب، تعیین سهام و صاحبان آنها، و عول و تعصیب. در بخش دوم، طبقات سه گانه ارث در سه فصل مختلف با اجرای قواعد کلی در مورد هر یک از طبقات سه گانه ارث بررسی خواهد شد. در پایان (بخش سوم) ارث زوجین مورد مطالعه قرار خواهد گرفت.